

آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره بیستم، شماره ۳۷، بهار - تابستان ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی - پژوهشی (۱۵۳-۱۸۰)

استنتاج شیوه‌های تربیت دینی

در حوزه اعتقادات

از طریق ماهیت دین در قرآن کریم*

- مهرناز دنبلی^۱
- خسرو باقری نوع‌پرست^۲
- سیدمحسن میرباقری^۳
- محمود عبایی کوپایی^۴

چکیده

در مقاله حاضر، چهار شیوه مهم تربیت دینی در حوزه اعتقادات از طریق ماهیت دین در قرآن کریم استنتاج شده است. بدین‌منظور به بررسی دو مقوله «ماهیت دین» و «شیوه‌های تربیت دینی» پرداخته‌ایم. ابتدا جهت فهم صحیح ماهیت دین در قرآن کریم، تمامی آیات مشتمل بر ریشه «د-ی-ن» مورد تفحص قرار گرفته است. سپس برای راهیابی به شیوه‌های تربیت دینی در قرآن کریم از

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (donboli.m@gmail.com).
۲. استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (khabagheri@ut.ac.ir).
۳. دانشیار دانشگاه تربیت مربی شهید رجایی (dmirbagheri@gmail.com).
۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (m_abae44@yahoo.com).

روش استنتاجی بهره گرفته‌ایم. در روش استنتاجی با استفاده از دو مقدمه «هنجارین» و «واقع‌نگر» به «نتیجه» که شیوه تربیت دینی است، دست یافته‌ایم. در ادامه، راهکارهای قرآن کریم برای رسیدن به شیوه‌های تربیت دینی تبیین شده است. برای مثال، یکی از راهکارهای قرآن کریم برای رسیدن به شیوه اعتقاد به جزای اعمال، بهره‌گیری مستقیم از کتب آسمانی در جهت شناخت اعمال مناسب می‌باشد. از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر، دستیابی به شیوه‌های تربیت دینی از طریق کشف ماهیت دین و تبیین هدف تربیتی از یکسو و استفاده از شیوه استنتاجی به عنوان روش پژوهش از سوی دیگر می‌باشد. از دستاوردهای این مقاله می‌توان در جهت ارائه الگوی نظری تربیتی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی استفاده نمود.

واژگان کلیدی: قرآن، دین، تربیت دینی، ماهیت دین، استنتاج عملی.

۱. درآمد

تأکید بر تربیت دینی در مبانی انسان‌شناختی اسلام، نمودی آشکار دارد. تربیت‌پذیری ویژگی اساسی انسان و دلیل اصلی بر ضرورت فرستادن پیامبران و تشریح دین است. هدف تربیت، «ربوبی شدن حقیقت وجودی انسان» بر مبنای هستی‌شناسی غایت‌نگرانه اوست. این امر مستلزم به کارگیری شیوه‌هایی می‌باشد. تربیت انسان‌ها به قدری اهمیت دارد که موضوع تربیت دینی، برای متفکران دینی و کسانی که به تربیت دینی به عنوان مطالعات دانشگاهی کمک کرده‌اند، موضوع محوری بوده است. تحقیقات تجربی و نظری در مورد تربیت دینی و شیوه‌های آن در مجلات برجسته مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند (Cf. von Brömssen, 2016; Sherkat & Ellison, 1999). به راستی شیوه‌های مناسب برای تربیت دینی انسان چگونه باید باشد تا وی به هدف نهایی خلقت نائل گردد؟ (ر.ک: جاثیه/۱۳). برای پاسخ به این سؤال و در پی معرفت‌بخشی صحیح و کارآمد، نیازمند به شناخت ماهیت دین از زبان خود قرآن کریم می‌باشیم؛ زیرا معتقدیم که راهیابی به حقیقت دین، جز از طریق تبیین قرآن کریم در این راستا میسر نخواهد بود. الگوی تحقیق ما در فهم شیوه‌های تربیت دینی نیز خود قرآن کریم است. در این پژوهش می‌خواهیم بدانیم تربیت دینی الهی در طول تاریخ بشریت چگونه است که قادر به

تربیت افرادی معصوم مانند انبیا و اولیا مانند حضرت یوسف علیه السلام بوده است که او را قادر ساخته تا بتواند در موقعیت‌های گوناگون دفع و جذب چون افتادن در چاه، افتادن به زندان، رسیدن به پست و مقام، و وسوسه‌های زلیخا، به بهترین وجهی خود را حفظ نموده و به درجات متعالی برسد؛ چرا که «روش تربیتی اسلام متفاوت از روش‌های تربیتی جهان می‌باشد؛ زیرا هدف از تربیت دینی، آماده ساختن و پرورش انسان شایسته می‌باشد، بر خلاف تربیت غیر دینی که به دنبال تربیت شهروند شایسته است» (قطب، ۱۳۹۴: ۱۵).

لازم به ذکر است که شیوه‌های پرورش دینداری از دامنه وسیعی برخوردار است. در این مقاله، شیوه‌های تربیت دینی در حوزه اعتقادات مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه اعتقادات نیز به چند روشی که از اهمیت بیشتری برخوردار است، اکتفا شده است. روش کار ما برای دستیابی به شیوه‌های تربیت دینی، از طریق بررسی ماهیت دین صورت گرفته است. برای رسیدن به این هدف، ابتدا ماهیت دین از طریق قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استمداد از روش استنتاجی، به شیوه‌های تربیتی دست یافتیم؛ به این صورت که با استفاده از دو مقدمه «هنجارین» و «گزاره واقع‌نگر» به «نتیجه» رسیدیم. گزاره هنجارین عبارت است از اهدافی که قرآن کریم برای تربیت دینی در نظر گرفته است و گزاره واقع‌نگر نیز ویژگی‌هایی می‌باشد که قرآن کریم برای دین الهی مطرح نموده است. از این دو مقدمه ابتدایی، به نتیجه که شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است، دست یافتیم. در کشف ماهیت دین، تمام آیاتی که ریشه «د-ی-ن» در آن‌ها به کار رفته است، مورد بررسی قرار گرفت. این ریشه در مجموع ۱۰۱ مرتبه در ۸۷ آیه ذکر گشته است. سپس راهکارهای قرآن کریم برای رسیدن به هر کدام از شیوه‌ها استخراج گردید. وجه تمایز مقاله حاضر با تحقیقات گذشته، در کشف ارتباط بین شیوه‌های تربیتی با ماهیت دین است؛ به گونه‌ای که شیوه‌های استنتاج گشته، محصول و برآمده از ماهیت دین است و این ارتباط در پژوهش‌های پیشین مشاهده نمی‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به تحولات روزافزون در حوزه تعلیم و تربیت دینی و به منظور کاربردی کردن تربیت دینی قرآن کریم در عصر حاضر که عصر علم و تجربه می‌باشد، بهره‌مندی از

روش‌های علمی روز به جای روش‌های معمول و سنتی در تربیت دینی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا امروزه دور نگه‌داشتن متریان از محیط‌های نامناسب یا ایجاد ممنوعیت برای آنان توسط مربیان، در روش‌های تربیتی به طور اعم و تربیت دینی به طور اخص، دیگر پاسخگو نمی‌باشد، لذا با به کارگیری روش‌های نوین تربیتی کارآمد با محوریت قرآن کریم می‌توان بر این چالش فائق آمد (باقری، ۱۳۸۵: ۵۱).

در پژوهش‌های پیشین، مبحث تربیت دینی در بعضی موارد از بعد مبانی نظری آن مورد توجه قرار گرفته و تلاش بر واکاوی شاخص‌های بارز تربیت دینی بوده است. در برخی موارد با هدف تربیت و پرورش «انسان شایسته و صالح»، از قرآن استمداد شده است. در این راستا از امتیازات اسلام، پرورش همه قوای انسان (خرد و جسم و روان) است و مانند دیگر مکاتب تنها به پرورش قوه خاصی از او اتمام ندارد. وجود نیروهای متضاد در انسان نیز در تربیت او ضرورت دارد. از بارزترین خصوصیات روش اسلامی، روش عبادت است که البته عبادت، منحصر به آداب و رسوم تعبدی معروف، مانند نماز و روزه و زکات نیست؛ بلکه عبادات سبب پیوند همیشگی انسان با خدا و رسیدن انسان به مقام «انسان شایسته و صالح» می‌گردد. در این راستا، اسلام وسایلی مانند پند و اندرز، کیفر و پاداش، داستان و امثال، عادت دادن به چیزی و پیشامدها را به کار برده است (قطب، ۱۳۹۴: ۶۰). گاهی نیز در پژوهش‌های انجام‌شده، «واقع‌گرایی تربیت قرآنی» مورد اهمیت بوده است؛ بدین معنا که تربیت قرآنی بر پایه واقعیت هستی انسان و همخوان با توانایی و طاقت وی بنا گشته است، نه بر پایه نظریه‌های واهی خشک. تربیت قرآنی با توجه به ساختار وجودی و روانی فرد و جامعه و پدیده‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون انسان شکل گرفته است. هدف از واقع‌گرایی تربیت قرآنی، فراهم ساختن نظامی برای تربیت فرد و امت است. برخی از جنبه‌های تربیت واقع‌گرایی عبارت‌اند از: تربیت توحیدی، تربیت تدریجی و مرحله به مرحله، تربیت در صحنه حرکت، قیام و جهاد، هماهنگی تربیت در نظام تشریح با نیازهای انسان، تعادل در تشریح و تربیت اسلامی و در نهایت، اصل هشدار نقاط انحراف در فرایند تربیت (علوی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۶۰). بعضاً نیز روش‌های آموزشی قرآن در راستای یادگیری معنادار صورت گرفته است و با توجه به آیه ۹ سوره اسراء در راستای رسالت آموزش و هدایت اقوام،

روش‌های خود را منطبق با ساختارهای روحی-روانی، استعدادی، محیطی و اجتماعی فرد معرفی نموده است (صفیان جوزدانی و سعادت‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۹۷-۲۲۲). در مواردی نیز روش‌های تربیت دینی در حیطه اخلاقی معرفی شده است. برخی پژوهشگران تأکید کرده‌اند که قرآن کریم از یک شیوه و روش خاص بهره نبرده؛ بلکه با توجه به نیازها، شرایط و ابعاد جسمانی و روحانی بشر، شیوه‌های مختلفی در ابعاد گوناگون شناختی (بینشی)، عاطفی (گرایشی) و عملی (کاربردی)، مهندسی، طراحی و به کارگیری کرده است (میرورفعت‌نژاد، ۱۳۹۵). در بعد شیوه‌های اخلاقی چون توکل نیز با استفاده از روش تحلیل محتوا به تحلیل آیات قرآنی متضمن اسما و صفات الهی برای کشف ضرورت توکل پرداخته شده است (سعیدی حسینی و دیگران، ۱۴۰۱). در مقاله‌ای نیز به دلیل تذکر قرآن کریم مبنی بر فلسفه بعثت پیامبران که به منظور تهذیب نفس و پرورش افراد آراسته به فضایل اخلاقی می‌باشد، روش‌های تربیتی قرآن کریم تبیین شده است (احمدی‌فر و امیری، ۱۳۹۶: ۲۹-۵۵).

نکته حائز اهمیت در پژوهش پیش رو که وجه تمایز آن از دیگر پژوهش‌هاست، اولاً ارائه شیوه‌های تربیت دینی با توجه به تعاریف قرآن کریم از ماهیت دین می‌باشد؛ ثانیاً روش به کار رفته برای این منظور، روش نوین «استنتاج عملی» است. در این راستا، ابتدا اهداف غایی مشخص گشته، سپس مبانی تربیت دینی، تعریف، و در نهایت دسترسی به شیوه‌ها میسر می‌گردد. در این روش، متری هدفمند و با آگاهی و شناخت تحت تعلیم قرار می‌گیرد. در پژوهش‌های گذشته همواره بحث‌هایی در باب روش‌های تربیت دینی بدون توجه به ماهیت دین در قرآن کریم، به صورت پراکنده، جداگانه و بدون هیچ پیوندی صورت پذیرفته است. حتی در کتاب *منهج تربیتی اسلام* از محمد قطب، برای رسیدن به هدف غایی انسان شایسته، فقط به چند شیوه تربیتی کلی اشاره شده است (قطب، ۱۳۹۴: ۱۵). در این پژوهش با تأکید بر کشف چیستی و هویت دین در کلام خداوند، به استنتاج شیوه‌های تربیت دینی پرداخته شده است. امید است با استنتاج شیوه‌های تربیت دینی قرآن کریم با در نظر گرفتن ماهیت دین به صورت همزمان، گسل و خلأ پژوهشی در ارتباط بین مفهوم دین و شیوه‌های تربیت دینی، پوشش داده شود.

۳. روش پژوهش

روش استنتاج از روش‌های فلاسفه به ویژه فلاسفه تعلیم و تربیت است. سابقه روش استنتاجی به ارسطو باز می‌گردد. ویلیام فرانکنا از این روش در عرصه تعلیم و تربیت بهره گرفته است. وی با استفاده از الگوی قیاس عملی ارسطو، پیشنهادی مطرح نموده است که می‌توان از آن برای تحلیل فلسفه‌های تعلیم و تربیت هنجارین استفاده نمود. در طرح پیشنهادی وی، لزوم به کارگیری دو گزاره هنجارین و گزاره واقع‌نگر مطرح گردیده است. الگوی کامل فرانکنا شامل پنج قسمت اهداف یا اصول بنیادی هنجارین، گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی، دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید پرورش داد، گزاره‌های واقع‌نگر روشی، و توصیه‌های عملی می‌باشد. پژوهشگری، این الگو را مورد بازسازی قرار داده و یک مرحله مقدماتی تر از قیاس عملی را با عنوان باید‌های آغازین و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی به آن اضافه کرده است. دلیل این تغییرات، فراهم نمودن پاسخ به سؤالات احتمالی است که ممکن است نسبت به هدف‌ها یا ارزش‌های بنیادی که سنگ بنای زنجیره استنتاجی در مدل اوست، پیش آید و دلیل دیگر مشخص نمودن جایگاهی برای اصول تعلیم و تربیت می‌باشد؛ زیرا اصولی که وی در کنار اهداف و ارزش‌ها بیان نموده است، در واقع همان ارزش‌ها و هنجارهای بنیادی دیدگاه‌هاست (باقری، ۱۳۸۹: ۵۸/۱).

در مقاله پیش رو، برای استنتاج شیوه‌های تربیت دینی، الگوی بازسازی‌شده فرانکنا مورد استفاده قرار گرفته است، که در واقع دارای دو مقدمه کبری و صغری و یک نتیجه می‌باشد. برای استنتاج شیوه‌های تربیتی که نتیجه قیاس می‌باشد، از اهداف تربیتی به عنوان مقدمه کبری، و مبانی به عنوان مقدمه صغری بهره‌مند گشته‌ایم. گزاره‌ها در اهداف تربیتی و شیوه‌ها، تجویزی و قضیه ارزشی و متضمن «باید» است. اهداف تربیتی، هدف یا امر مطلوبی است که مربی در اندیشه رساندن مرتبی به آن است. گزاره‌های واقع‌نگر دارای ماهیت توصیفی بوده، به روابط و مناسبات واقعی در ماهیت دین می‌پردازد.

۴. ماهیت دین

ماهیت دین در قرآن کریم دارای ویژگی‌های متعددی است که در این مقاله چهار مورد از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. جزا

واژه دین در ۸۷ آیه قرآن کریم (۱۰۱ مرتبه) آمده است. واژه «دین» از ریشه «د-ی-ن» به معنای خضوع، انقیاد، اطاعت، جزا، روش، مسلک و مرام می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۳/۸؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۱۱۷/۵؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۶۸۸/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۹۹/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۲۰/۲-۳۲۱). از این ریشه، واژه «دین» به معنای وام و بدهی نیز در قرآن کریم به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۹/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۹۹/۱)، که در ۲۱ مورد به معنای جزا (فاتحه/۴؛ حجر/۳۵؛ نور/۲۵؛ شعراء/۸۲؛ صافات/۲۰؛ ص/۷۸؛ ذاریات/۶ و ۱۲؛ واقعه/۵۶؛ معارج/۲۶؛ مدثر/۴۶؛ انفطار/۱۵، ۱۷ و ۱۸)، ۸ مورد به معنای بدهی (نساء/۱۱-۱۲)، ۱ مورد قانون (یوسف/۷۶) و بقیه موارد به معنای آیین می‌باشد. در تمام معانی مذکور، جزا به عنوان پاداش و کیفر قابل مشاهده است. جزا با آیین و قانون گره خورده است؛ زیرا تبعیت کردن یا نکردن از مسائل دین و قانون، کیفر و پاداش در پی دارد. در بدهی نیز جزا کاملاً مشهود است. طولانی‌ترین آیه قرآن کریم (بقره/۲۸۲) شامل بیش از ۲۰ حکم الهی در مورد احکام وام دادن و گرفتن می‌باشد که این خود نشانگر مسئولیت در برابر وام و بدهی می‌باشد و قطعاً نوع عملکرد در این رابطه، همراه با جزای مناسب با عمل می‌باشد. با توجه به تکرار و اهمیت جزا که شامل کیفر و پاداش در برابر نوع عملکرد انسان می‌باشد و با آیین و برنامه زندگی رابطه مستقیم دارد، به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین ویژگی در ماهیت دین، مسئله جزای اعمال می‌باشد که حقیقتاً در خود واژه دین، این موضوع قابل مشاهده است. معنای جزا در واژه دین نادیده گرفته شده است و عمدتاً معنای «آیین» در دین مورد توجه بوده است.

۲-۴. حق‌گرایی

دین در معنای آیین در قرآن کریم، به دو دسته الهی و غیر الهی (کافرون/۶) تقسیم

شده است. آیین و سنت‌های حق و آیین و سنت‌های باطل، هر دو دین نامیده می‌شوند. دین الهی در قرآن کریم شامل دین اسلام و دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و دین غیر الهی شامل دین کافران و مشرکان و همچنین دین ساختگی اهل کتاب است (توبه/ ۳۳؛ شوری/ ۲۱؛ فتح/ ۲۸؛ صف/ ۹). خداوند دین خود را منطبق با حق و واقعیت توصیف نموده است. معیار برحق بودن دین الهی، انتساب به خداوند برحق می‌باشد (روم/ ۳۰).

۳-۴. قدرت‌افزایی

در قرآن کریم به طور کلی، دین بالذات قدرت‌دهنده است و توانمند گشتن دینداران ادیان مختلف توسط قدرتی که دین در آنان ایجاد می‌نماید، کاملاً مشهود است. قدرت‌افزایی در ادیان غیر الهی بر اساس تبعیت از دین دروغین و در جهت غرور و قدرت کاذب و مخرب می‌باشد؛ بر خلاف دین الهی که قدرت به دست آمده بر مبنای اعتماد و توکل بر قدرت لایزال الهی است که فائق بر هر قدرتی می‌باشد (آل عمران/ ۲۴؛ انفال/ ۴۹).

۴-۴. پرهیز از غلو

غلو در دین، علت اساسی انحراف از دین حق می‌باشد. اهل کتاب از جمله افرادی بودند که دچار غلو در آیین مسیحیت گشته و به ناحق قائل به وجود خدایان سه‌گانه شدند که یکی از آن خدایان، عیسی مسیح علیه السلام است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ» (نساء/ ۱۷۱)؛ «ای اهل کتاب در دین خود غلو [و زیاده‌روی] نکنید».

۵. استنتاج شیوه‌های تربیت دینی

هدف تربیت، تسهیل حرکت انسان به سوی معنویت است و تربیت باید راه‌گرایش به جنبه ربانی را در انسان هموار سازد. در دیدگاه قرآن کریم، مبنا این نیست که مربی دست فرد را بگیرد و او را به مقصد برساند، بلکه هدف این است که توانایی‌هایی در مربی تحقق یابد تا او خود راه زندگی را طی کند. تربیت همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، اهدافی را دنبال می‌کند که این اهداف از مبانی فلسفی، یعنی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی یک مکتب نشئت می‌گیرد.

در مقاله حاضر نیز با توجه به یافته‌های به دست آمده از ماهیت دین در قرآن کریم، چهار مورد از استنتاج‌های عملی شیوه‌های تربیت دینی بر اساس الگوی بازسازی شده فرانکنا به تفصیل بیان می‌گردد. لازم به ذکر است که برای استنتاج شیوه‌های تربیت دینی، از اهداف تربیتی و مبانی تربیتی در قرآن کریم بهره‌مند گشته‌ایم. گزاره‌های اهداف و شیوه‌ها به صورت تجویزی و گزاره‌های مبنایی توصیفی می‌باشند. بنابراین هر یک از استنتاج‌ها شامل هدف، مبنا و شیوه است که هدف در تمامی استنتاج‌ها یکسان بوده و به شرح زیر تعریف می‌گردد:

هدف: هدف تربیت دینی، «ربانی شدن» متربی است (آل عمران / ۷۹-۸۰) و آن محقق نمی‌گردد، مگر اینکه فرد خود را از یوغ بردگی رب‌های گوناگون چون ربّ هوای نفس خود یا ربّ هوای نفس موجودات بیرونی آزاد سازد و حتی آثار آن را نیز از خود بزدايد و این تلاش، همان «تطهیر» و «تزکیه» است که در تعریف تربیت دینی، به نحو اساسی لحاظ گردیده است. بنابراین با تکیه بر مفهوم ربوبیت می‌توان هدف تربیت دینی را چنین بیان نمود:

«شناختن خدا به عنوان ربّ یگانه انسان و جهان، برگزیدن او به عنوان رب و پذیرفتن فقط ربوبیت او و از ربوبیت غیر او اجتناب کردن» (باقری، ۱۳۸۹: ۹۹/۱).

پس از استنتاج شیوه‌ها، نمونه‌های عملی به کاررفته در قرآن کریم در خصوص هر شیوه ذکر شده است. با توجه به نمونه‌های مذکور، راه رسیدن به شیوه‌های قرآنی برای متربی هموار می‌گردد.

۱-۵. شیوه اول: اعتقاد به جزای اعمال

مبنا: جزا در ماهیت دین الهی، به غایت‌مندی جهان هستی اشاره دارد و مسئله داوری در مورد چگونگی اعمال انسان و جزای اعمال او که نیکوکاران را بهشتی و بدکاران را دوزخی می‌نماید، در دین الهی از جایگاه ویژه و بسیار مهمی برخوردار است و مطرح شدن جزا و روز جزا به کرات در قرآن کریم، تأکید بر این مهم می‌باشد و اصلاً دلیل مرگ انسان در دنیا، رسیدگی به اعمال او در جهانی دیگر می‌باشد؛ زیرا دنیای مادی قابلیت ایفای جزای کامل به اعمال انسان را ندارد. لذا در آیه سوره واقعه می‌فرماید اگر اعمال

جزایی ندارند، مانع مرگ دیگران شوید: ﴿فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ عَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (واقعه/ ۸۶-۸۷)؛ اگر در برابر اعمال، مسئول نبوده و جزا یعنی پاداش یا کیفر، در اختیار ما نبود، می‌توانستید این شخص را برگردانید و جلوی مرگ را بگیرید. پس جزا حق است و هر کسی به محکمه قضای الهی دعوت شود، یا سعید است یا شقی (جوادی آملی، ۱۳۹۶: تفسیر سوره واقعه، جلسه ۱۹).

شیوه: در تربیت دینی، انسان باید به نتایج احتمالی اعمال خود بیندیشد و در قبال نحوه عملکرد خود مسئول باشد و نباید نسبت به عملکرد خود بی‌تفاوت باشد. او باید بداند که زندگی انسان محدود به این دنیای خاکی نیست و ادامه زندگی وی در جهانی دیگر است و خوبی و بدی زندگی او در آنجا کاملاً وابسته به نوع زندگی دنیایی اوست (نور/ ۲۵). اکنون هدف، مبنا و شیوه ذکر شده به عنوان قیاس عملی به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

هدف: انسان باید تربیت دینی بیابد.

مبنا: تربیت دینی در گرو اعتقاد به جزای اعمال است.

شیوه: انسان (برای تربیت دینی) باید به جزای اعمال خود اعتقاد بیابد.

۱-۱-۵. نمونه‌های به‌کاررفته در قرآن کریم

برخی از نمونه‌های قرآنی در زمینه تربیت دینی در حوزه اعتقادات در رابطه با شیوه اهمیت عمل به دستورات دین و تأثیر و پیامدهای نحوه عملکرد دینی انسان در دنیا و آخرت بیان می‌گردد.

۱. بهره‌گیری مستقیم از کتب آسمانی در جهت شناخت اعمال مناسب

بهره‌گیری مستقیم از کتاب الهی، روشی حکیمانه در جهت هدایت به سوی دین و جزای خوب و بد اعمال می‌باشد. گوش کردن جنیان به آیات قرآن کریم و آگاهی از پیامد اعمال، یکی از مصادیق روش هدایت به سوی مسئولیت‌پذیری انسان در قبال عملکرد خود می‌باشد. آنان توسط گوش کردن به آیات کتاب آسمانی قرآن کریم معتقد گشتند که جزای ایمان به خداوند یگانه، رشد و عدالت، و جزای شرک، نقصان و ظلم خواهد بود (جن/ ۱۳).

۲. مواجهه با نتایج اعمال دیگران و عبرت‌آموزی از تجربیات آنان

روبه‌رو شدن با نتایج اعمال دیگران و عبرت گرفتن از آن، روش حکیمانه قرآن کریم برای پی بردن به جزای امور است. پرده‌برداری از حوادث تلخ و شیرین که در طول تاریخ و یا زمان جاری اتفاق می‌افتد، سبب شکوفایی عقل سلیم برای آیندگان گشته و با پندآموزی و درس گرفتن از عملکرد پیشینیان، اصلاح فکر و اندیشه و تغییر رفتار را برای آنان در پی دارد و این همان معنای عبرت گرفتن می‌باشد. ولی گاهی اوقات، انسان فقط تماشاچی حوادث می‌باشد. عبرت را از آن جهت عبرت می‌گویند که انسان جاهل توسط آن از جهل به علم عبور می‌کند و اگر کسی داستان آموزنده‌ای را بررسی کرد و تحولی در او پیدا نشد، او تماشاچی است نه معتبر (همو، ۱۳۹۰: تفسیر سوره یوسف، جلسه ۷۳).

عبرت‌آموزی در قرآن کریم به صورت‌های گوناگون به کار رفته است؛ گاهی از طریق بیان تاریخ مانند نجات دادن ابراهیم موحد از آتش سوزان بت پرستان (عنکبوت/ ۲۴) و زیر و رو شدن شهر قوم لوط در اثر گناهانشان (حجر/ ۷۳-۷۵)، گاهی از طریق توصیه به جهانگردی و سیر در زمین برای دیدن و تحقیق و بررسی آثار و سرنوشت پیشینیان، که بیشتر از مطالعات تاریخی و شنیدن احوال گذشتگان می‌تواند مؤثر واقع گردد، مانند دیدن آثار برجای مانده از گمراهان دروغگو که نشانگر عواقب اعمال آنان می‌باشد (نحل/ ۳۶)، و گاهی نیز از طریق بیان قصه‌های واقعی. بیان قصه‌های واقعی سبب پرورش صفاتی می‌گردد که عزت و سربلندی انسان را در پی دارد، و از پیامد صفاتی که موجب حقارت و ذلت انسان می‌گردد، جلوگیری می‌نماید؛ زیرا قصه در نفس انسان اثر می‌گذارد و فکر شنونده را به محتوا و اهداف آن آشنا و در نهایت او را به خود جذب می‌کند (عمر، ۱۴۱۶: ۲۱۲). قصه‌های قرآنی صرفاً اخبار و گزارش نیست، بلکه نحوه برخورد خداوند در برابر رویدادها و اعمالی که رخ داده، بیان گردیده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: تفسیر سوره کهف، جلسه ۱۰)؛ مانند قصه حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام که از آن به «أحسن القصص» (یوسف/ ۳) یاد شده است و از پیامدهای آن، تقویت صفاتی نظیر عفت و پاکدامنی، خردورزی و صبر به ویژه برای نسل جوان است.

۳. تجسم زشتی و زیبایی اعمال

تجسم زشتی و زیبایی عملی در قالب مثال گویا، روشی مؤثر برای پی بردن به حقیقت عمل و اثر عمل است که توجه انسان را به پیامد آن عمل جلب می‌نماید. در آیه ۱۲ سوره حجرات برای نهی از عمل غیبت، حقیقت عمل غیبت را که به مثابه خوردن گوشت برادر مرده می‌ماند که قطعاً مورد نفرت انسان است، تجسم نموده است تا از این طریق انسان به مسئولیت عمل خود واقف گردد. تجسم بیان‌شده در آیه فوق، نشانگر زشتی فوق‌العاده غیبت و گناه عظیم آن است.

۴. تبیین سنن الهی

یکی دیگر از مواردی که می‌توان از آن طریق به جزای اعمال پی برد، تبیین سنن الهی است. سنن الهی قوانینی هستند که خداوند آن‌ها را به طور ثابت وضع کرده است و تغییرناپذیرند. یکی از سنت‌های الهی در قرآن کریم، تبعیت از ولایت شیطان است که سبب گمراهی فرد و هدایت در جهت عذاب سوزان خواهد بود. بر اساس آیه ۴ سوره حج، حکم و سنت الهی به این تعلق گرفته است که کسی که شیطان را ولیّ خود قرار دهد و از فرمان او تبعیت نماید، شیطان او را گمراه سازد و به سوی آتش جهنم هدایت نماید.

۵. پرهیز از تقلید کورکورانه از پیشینیان در انجام اعمال غیر مسئولانه آنان

انجام اعمال غیر مسئولانه، یکی از پیامدهای پیروی از پدران غیر عاقل و هدایت‌نیافته می‌باشد. بت‌پرستی مشرکان بدون داشتن هیچ دلیل و مدرکی فقط به صرف تقلید از پیشینیان، نمونه‌ای از این گونه تقلید می‌باشد (شعراء/ ۶۹-۷۴). در آیه دیگر، مشرکان دلیل بت‌پرستی خود را پیروی از پدران خود بیان می‌نمایند و در مقابل سؤالی که از آنان می‌شود مبنی بر اینکه اگر هدایتی بهتر از هدایت پدران خود دریافت نمودید، آیا می‌پذیرید؟ پاسخشان انکار رسالت پنددهنده می‌باشد (زخرف/ ۲۴).

۶. توصیف صفات بهشتیان و دوزخیان

آیاتی در قرآن کریم مشاهده می‌گردد که از طریق موعظه حسنه و به طور غیر مستقیم انسان را به سوی جزای اعمال رهنمود می‌سازد. کلام طیب و عمل پسندیده دو نعمتی

هستند که بهشتیان از آن در بهشت برخوردارند و این تذکر غیر مستقیم برای تربیت دینی افراد است که قطعاً این دو صفت باید در این دنیا نیز به کار گرفته شوند تا جزای متناسب با آن در آخرت نصیب انسان گردد (حج/ ۲۴). جزای کتمان کنندگان آیات الهی، لعن خداوند و لعنت کنندگان می‌باشد (بقره/ ۱۵۹). علما و تمام کسانی که وحی الهی را بعد از نزول آن و روشنگری و هدایتش برای مردم که در کتاب خداوند بیان گردیده است، از مردم به طرق گوناگون دور و پنهان کنند، دچار لعن و نفرین همه نفرین کنندگان خواهند شد. خداوند آنان را از رسیدن به سعادت محروم نموده و لعنت کنندگان نیز دوری از سعادت را برای اینان از خداوند می‌خواهند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۸/۱).

۷. وعده و وعید

در قرآن کریم، «وعده و وعید» از مهم‌ترین شیوه‌های تربیت دینی به کار رفته در حیطه موعظه حسنه است. وعده هم در کار خیر و هم کار شر به کار می‌رود (ابراهیم/ ۴۷). در حالی که وعید فقط در وعده به شر و تهدید، مورد استفاده قرار می‌گیرد (طه/ ۱۱۳). وعید نوعی هشدار و زنگ خطر برای مردم عاصی و طغیانگر است تا از عواقب کار خود مطلع گشته، دست از لجبازی و دشمنی بردارند یا حداقل یادآوری و تذکری باشد تا اهل عبادت و اطاعت گردند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: جلسه ۵۳).

خداوند به کسانی که در اثر ایمان به آفریدگار از تمایلات نفسانی پرهیز نموده و منحرف نگشتند، بهشت‌هایی با اوصاف گوناگون را وعده داده و بر حتمی بودن این وعده تأکید کرده و از این طریق آن‌ها را به انجام اعمال صالح تشویق و ترغیب نموده است (نساء/ ۱۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۹/۵). وعده حکمرانی در زمین به مؤمنانی داده می‌شود که دارای اعمال صالح هستند (نور/ ۵۵). وعده قرار گرفتن در بهشت، جزای کینه‌زدایی قلب‌ها نسبت به دیگران (اعراف/ ۴۳)، وعده نداشتن ترس و اندوه در قیامت، جزای تابعان هدایت الهی (بقره/ ۳۸) و وعده افزونی هدایت و عاقبتی سرشار از لذت و سرور در آخرت، جزای کسانی است که هدایت اولیه الهی را پذیرفتند (مریم/ ۷۶).

وعید عدم هدایت الهی، جزای مرتدان است. کفر مرتدان، مانع هدایت و رسیدن به سرمنزل مقصود برای آنان خواهد بود؛ زیرا مرتدان با ترجیح و تفضیل دنیا بر آخرت

می‌خواهند آزادی عمل داشته و محدودیتی نداشته باشند (نحل/ ۱۰۷). وعید جزای نابودی اعمال و عدم زیان‌رسانی به خداوند برای مرتدانی است که کافر به دین الهی گشته و در عمل نیز مانع راه خدا گردیدند و به مقابله با رسول پرداختند (محمد/ ۳۲). وعید جزای ذلت و خواری در دنیا و عذاب دردناک در آخرت، به منافقان داده شده است (مائده/ ۴۱).

در وعده و وعید توأمان، خداوند پیامد و جزای اعمال را به انسان وعده داده است. یعنی تعهد می‌نماید که به عنوان مثال، جزای ایمان آوردن پیروان پیامبر به حق، کفایت ویژه الهی در برابر توطئه‌ها و نقشه‌های دشمن علیه مؤمنان، و وعید عدم کفایت الهی برای اعراض‌کنندگان از ایمان می‌باشد (بقره/ ۱۳۷). اگر اهل کتاب به هر آنچه شما ایمان دارید، مانند مبدأ و معاد و نبوت و وحی و کتاب ایمان بیاورند، مانند شما هدایت می‌یابند. در غیر این صورت، در مقابل شما قرار می‌گیرند و در آن صورت، کفایت مخصوص خداوندی که شنوا و دانا به سخنان و هر آنچه در نهاد و نهان اهل شقاق و مسلمانان است، خواهد بود (جوادی آملی، بی‌تا: تفسیر سوره بقره، جلسه ۲۳۵). وعده جزای حسن عاقبت در دنیا و آخرت برای کسانی که هدایت الهی را پذیرفته‌اند و وعید جزای عدم فلاح و رستگاری برای پیروان ظالمان داده شده است (قصص/ ۳۷).

۸. انذار و تبشیر

«انذار و تبشیر» به صورت دو اهرم تربیتی در کنار هم و به همراه یکدیگر، موجب حفظ و هدایت و سرعت و شتاب مؤمنان در مسیر تقرب الی الله می‌شوند. البته شواهد قرآنی دال بر این است که انذار عمومی‌تری دارد که در تبشیر نیست؛ چون انذار هم شامل مؤمنان و هم کافران می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۱۰). انذار با اعلان خطر کردن نسبت به امور، و تنبه و آگاهی دادن و بر حذر داشتن از تمایل به انحرافات و کژی‌ها، و تبشیر با ایجاد شوق و رغبت، موجب حفظ و هدایت در جهت اعمال صالح است. قرآن کریم انذار و تبشیر را دو رکن اساسی در رشد و تربیت نفوس معرفی کرده است. در آیه دوم سوره اعراف، هدف از نزول قرآن کریم از جانب خداوند بر پیامبر، انذار مردم از عواقب و پیامد اعمالشان ذکر شده است؛ برای مثال در آیات ۱۳۹ و ۱۴۰ سوره انعام از طریق انذار

به گمراهی و عدم هدایت الهی، جزای نابخردانی که برای بت‌ها فرزندکشی نموده و روزی‌های حلال خداوند را تحریم می‌نمایند، توصیف شده است. بشارت دادن نیز از شیوه‌هایی است که برای توجه به جزای اعمال قرآن کریم به کار بسته شده است؛ به طوری که در آیه ۵ سوره بقره و لقمان، بشارت هدایت الهی و رستگاری، جزای اعمال متقین می‌باشد.

۲-۵. شیوه دوم: پرورش حق‌گرایی در انسان

مبنا: در قرآن کریم، واژه حق در برابر واژه باطل (انبیاء/ ۱۸) و ضلال (یونس/ ۳۲) به کار رفته است. حق به آب، و باطل به کف روی آب تشبیه شده است (عد/ ۱۳). حق دوام و استمرار و بقا دارد، در حالی که باطل به معنای چیزی است که عین ثابتی نداشته باشد، ولی خود را به شکل حق جلوه می‌دهد تا مردم آن را حق پندارند؛ لیکن وقتی در برابر حق قرار بگیرد آن وقت است که مردم همه می‌فهمند که باطل بوده و از بین می‌رود. ضلال نیز انحراف و خروج از برنامه حق و راه صحیح است. حق مانند آبی است که خود یکی از حقایق می‌باشد و باطل مانند سرابی است که حقیقتاً آب نیست، ولی خود را به شکل آب جلوه می‌دهد (همان: ۷۳/۱۳). اهم حقایقی که در موضوع حق‌گرایی در قرآن کریم صورت گرفته است، بحث‌های علمی و نظری در مورد اثبات حقانیت ربوبیت الهی، حقانیت معاد، حقانیت هدایتگری خداوند و در نهایت برحق بودن دین الهی است. در آخرت نیز اعمال را با حق می‌سنجند تا مشخص شود که چه عملی حق و چه عملی از حقانیت بی‌بهره می‌باشد (اعراف/ ۹-۸).

شیوه: انسان مؤمن باید به دنبال تبعیت از حق باشد. تبعیت از حق و حق‌مداری در باب اندیشه و نظر، مجهز گشتن به سلاح منطق و مزین شدن به جامعه یقین و دوری از مغالطه‌کاری و خیال‌بافی و پرهیز از تبعیت اشخاص به جای تبعیت از قول حق و درست است. تبعیت از حق در اعتقادات، از قبیل اعتقاد به توحید، معاد و دین الهی می‌باشد. دین الهی به عنوان دین برحق و بهترین دین نزد خداوند است که در هر عصری سبب نجات انسان می‌گردد. تسلیم خداوند شدن با تمام وجود و نیکوکاری و محسن بودن نسبت به خود و دیگران، به معنای تبعیت از دین الهی می‌باشد.

هدف، مبنا و شیوه ذکرشده به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

هدف: انسان باید تربیت دینی یابد.

مبنا: تربیت دینی انسان در گرو حق‌گرایی است.

شیوه: انسان (در تربیت دینی) باید حق‌گرا شود.

۵-۲-۱. نمونه‌های به‌کاررفته در قرآن کریم

۱. ژرف‌نگری در پدیده‌های هستی و تدابیر امور، راهی برای اثبات حقانیت خداوند

قرآن کریم برای اثبات حقانیت خداوند، ربوبیت خداوند متعال را از راه جدال احسن ثابت می‌نماید. بت‌پرستان ارباب گوناگون را به عنوان تدبیرکنندگان امور مختلف در عالم می‌پرستیدند و معتقد بودند که این ارباب سبب سودرسانی و دفع ضرر از آنان می‌باشند و راه پرستیدن رب‌الارباب، پرستش ارباب می‌باشد (یونس / ۳۱-۳۳). خداوند برهانی اقامه می‌فرماید مبنی بر اینکه تدابیر مربوط به امور انسانی و کل هستی، تحت تدبیر خداوند واحد اداره می‌گردد، نه تحت فرمان مدبرهای گوناگون. این برهان توسط سه قیاس صورت می‌گیرد. نتیجه قیاس اول این است که خداوند ربِّ برحق می‌باشد. در قیاس دوم می‌فرماید که خداوند ربِّ برحق می‌باشد و غیر از حق چیزی جز گمراهی و ضلالت نمی‌باشد؛ پس راهی غیر از راه حق نیست؛ پس شما کجا می‌روید؟ (جوادی آملی، بی‌تا: تفسیر سوره یونس، جلسه ۵۲).

۲. توجه به معاد

تربیت دینی به سوی حق‌گرایی در قرآن کریم، گاهی با شیوه حکمت و با توجه به اصل وجود معاد صورت می‌گیرد (یونس / ۳۴). برهانی که در اینجا رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشرکان اقامه می‌نماید، مربوط به مبدأ و معاد است و اینکه نوسازی عالم پس از آفرینش و انهدام آن فقط از جانب خداوند، امری شدنی است. بر خلاف مؤمنان که همگی به معاد اعتقاد دارند، مشرکان معتقدند که نه شرکای آنان و نه خداوند، قادر به انجام این کار نیستند و معاد امری معدوم و باطل است. البته آنان دلیلی بر اعتقاد خود ندارند و همه جا صحبت از بعید بودن موضوع است نه محال بودن آن؛ گاهی می‌گویند:

﴿وَمَا تَخْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ﴾ (جائیه/ ۳۲) و گاهی می گویند: ﴿ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾ (ق/ ۳) و یا ﴿وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ (یس/ ۷۸؛ همان: تفسیر سوره یونس، جلسه ۵۵). خداوند در وصف اهل کتابی که ایمان به خدا و آخرت نداشته و حلال و حرام خدا را به پا نمی دارند، فرموده است که آنان «دین حق را سنت و روش زندگی خود نمی گیرند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲۲/۹) و به تعبیر دیگر، «به دین حق معتقد نیستند» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۲) و برخی گفته اند به دین اسلام معتقد نیستند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴/۵).

۳. هدایت کنندگی به سوی حق، ملاک انتخاب هدایت کننده

در آیه ۳۵ سوره یونس، احتجاج در مورد شرکای مشرکان صورت گرفته است؛ بدین صورت که اولاً آن شریکانی که برای خداوند یکتا قائل اند، آیا انسان را به سوی حق هدایت می کنند یا به سوی ضلالت و گمراهی؟! اگر هادی به سوی حق نبوده و هادی به سوی ضلالت اند که اصلاً صلاحیت پرستش ندارد؛ زیرا انسان نیازمند به راهنمایی و هدایت به سوی حق است و از بحث آیه خارج است. در ثانی، اگر هادی به سوی حق هستند، آیا اصالتاً و ذاتاً هادی می باشند و یا بالعرض هادی هستند. قطعاً کسی که خود ذاتاً هدایتگر است، استحقاق هدایت به سوی حق را دارد و او می تواند هادی عموم مخلوقات باشد. افرادی چون پیامبران و امامان ابتدا مورد هدایت خداوند قرار می گیرند تا بتوانند دیگران را هدایت نمایند (جوادی آملی، بی تا: تفسیر سوره یونس، جلسه ۵۵). پس پر واضح است که فقط خداوندی که هادی بالذات است، سزاوار پرستش می باشد.

۴. پیروی از علم و یقین، شیوه ای برای حق گرایی است

طبق آیه ۳۶ سوره یونس، با توجه به آگاهی خداوند از عملکرد مردم، آنان را به دو دسته تقسیم می نماید؛ اکثریتی که به دلیل پیروی از ظن و گمان به دین مشرکان گرویده اند و اقلیتی که علما و بزرگان می باشند، به حقانیت دین حق یقین دارند و هیچ شک و شبهه ای در برحق بودن خداوند ندارند، ولی به دلیل دشمنی هایی که با یکدیگر دارند و به دنبال بغی و ستم می باشند، دست از باطل بر نمی دارند و با آگاهی، راه غلط را می پیمایند. روی سخن قرآن کریم با اکثریت مشرکان می باشد که امکان هدایت یافتن دارند؛ زیرا آنان دلیل قطعی بر کفر و شرک خود ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸۷/۱۰).

۵. ذکر مصداق در کنار اصل کلی

یکی از روش‌های قرآن کریم برای هدایت انسان در جهت دارا بودن دین حق که بهترین دین می‌باشد، ذکر مصداق در کنار کلی‌گویی و مشخص نمودن معیارها برای داشتن بهترین دین است؛ به این معنا که پس از ذکر معیارهای کلی دارندگان بهترین دین، مصداق را نیز ذکر می‌نماید. این روش سبب می‌شود که انسان در مقام تطبیق دچار خطا و اشتباه نگردد. در آیه زیر نیز بهترین دین از نظر خداوند، تبعیت از دین کسی است که هم قلباً موحد باشد و هم در عمل نیکوکار باشد؛ چه در مرحله فردی و شخصی و چه نسبت به دیگری، و مصداق بارز آن دین حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد که اولین نمونه تاریخی است. افراد به میزان تبعیت از ابراهیم علیه السلام در تسلیم چهره جانان به سوی خدا و انجام اعمال شایسته مانند ابراهیم علیه السلام به مقام خلّت و دوستی با خداوند راه می‌یابند و خلّت و نیازمندی‌های خود را مستقیماً با خداوند در میان می‌گذارند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: تفسیر سوره نساء، جلسه ۲۱۷). در واقع در این آیه، بر روش الگو قرار دادن برترین‌ها تأکید شده است. پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام در بحث‌های اعتقادی (حسن فاعلی) و در بخش عمل (حسن فعلی) به عنوان مصداقی برای رسیدن به دین مورد نظر الهی ذکر گردیده است (نساء/ ۱۲۵).

۶. معیار تشخیص پیروی از الگوهای برتر برای داشتن بهترین دین

یکی از روش‌های مؤثر در انتخاب بهترین دین برای مخاطبان، روش الگو قرار دادن برترین‌هاست. در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان بهترین الگوی تثبیت‌شده معرفی شده‌اند (ممتحنه/ ۶). در این آیه، اقتدا به حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه ایمان داشتن به مبدأ و معاد ذکر شده است. در حقیقت ایمان به مبدأ و معاد، انگیزه تاسی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد؛ زیرا بی‌شک کسی که قلبش از چنین ایمانی سرشار نباشد، قادر به قدم گذاشتن در جای قدم‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و ادامه تاسی و اقتدا نخواهد بود. ذکر این نکته نیز لازم است که اسوه‌های حسنه ذکرشده در قرآن کریم به عنوان یک اصل مسلم تثبیت‌شده است. به ما امر فرمود که شما به اسوه‌ها تاسی کنید، فرمود اسوه بودن آنان تثبیت‌شده است و اسوه بودن آنان

یک امر حقیقی است نه امر ظاهری» (همو، ۱۳۹۲: تفسیر سوره احزاب، جلسه ۹).



۳-۵. شیوه سوم: پرورش توانایی انسان بر اساس توکل بر خداوند

مینا: همه ادیان، توان قدرت‌افزایی در پیروان خود را دارند؛ اما در ادیان غیر الهی، دین ساختگی سبب ایجاد غرور و تعصب گشته و آنان را از حقیقت دور می‌سازد (آل عمران/ ۲۴) و این در حالی است که مؤمنان به دین الهی، مجهز به قدرت سازنده و اصیل می‌گردند؛ زیرا عامل و سبب قدرت دینداران، توکل بر خداوند است (انفال/ ۴۹). توکل به معنای تکیه بر قدرت استوار الهی در حوادث زندگی انسان است که عامل ثبات قدم و نهراسیدن انسان از مشکلات می‌باشد. توکل در شکل عالی آن عبارت از اعتماد و تکیه فرد در عقل نظری و در عقل عملی به صفات الهی است (همو، ۱۳۹۰: ۲۰/جلسه ۴۱۴).

شیوه: انسان تلاشگر، کار خود را باید به خداوند واگذارد و حل مشکلات خویش را از او بخواهد؛ خدایی که از تمام نیازهای او آگاه است و قدرت حل هر مشکلی را دارد. بشر برای موفقیت در زندگی، احتیاج به دو گونه اسباب دارد؛ یکی اسباب طبیعی و دیگری اسباب روحی. انسان برای رسیدن به مقصود خویش، پس از آنکه علل و اسباب طبیعی آن را مهیا کرد، مانعی در راه وصول او به هدف جز مهیا نبودن عوامل روحی وجود ندارد؛ عواملی مانند سستی اراده، ترس، بی‌خردی، غضب، بدبینی و نظیر این‌ها، آنگاه که قلب خود را به وسیله اتکا و توکل کردن، به دریای قدرت و عظمت الهی متصل کرد، اراده و همچنین سایر صفات روحی او آنچنان نیرومند می‌شود که مغلوب هیچ عامل دیگری نشده، در نتیجه به موفقیت قطعی و سعادت واقعی نائل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۶۵).

هدف، مینا و شیوه ذکرشده که یک قیاس عملی را تشکیل داده، به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

هدف: انسان باید تربیت دینی یابد.

مینا: دین الهی، سبب قدرت‌افزایی در جهت مثبت می‌گردد.

شیوه: انسان باید با توکل بر خداوند قدرتمند گردد.

۵-۳-۱. نمونه‌های به کار رفته در قرآن کریم

در قرآن کریم برای دستیابی به شیوه تربیتی پرورش توانایی انسان بر اساس توکل بر خداوند، راهکارهایی مورد استفاده قرار گرفته است که به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱. تکیه بر باور مندی به قدرت و علم الهی

توکل بر خداوند از طریق توجه متری به علم و قدرت لایزال الهی صورت می‌گیرد. قرآن کریم با استفاده از تبیین خالقیت، ربوبیت (زمر/ ۳۸)، مالکیت خداوند بر کل آسمان و زمین (نساء/ ۱۳۲)، حیات ازلی و ابدی خداوند (فرقان/ ۵۸-۵۹)، مبدأ و مقصد بودن خداوند (شوری/ ۱۱-۹)، آگاهی خداوند بر تمام مخلوقات (انعام/ ۱۰۱-۱۰۳)، سلطه خداوند بر کل هستی (توبه/ ۱۲۹)، مهربانی خداوند نسبت به بندگانش (رحمن/ ۲۹؛ حدید/ ۴) و عدم استقلال اسباب دنیوی (نساء/ ۸۱)، به اثبات علم و قدرت خداوند می‌پردازد.

۲. انحصار در خشیت الهی

نظامی که آفرینش انسان‌ها بر پایه آن بنا شده است، همانا آزادی انسان‌هاست؛ بدین معنا که فقط بنده خداوند باشند (بقره/ ۲۵۷). انحصار خشیت به خداوند و نهراسیدن از غیر او، راهی است که خداوند متعال آن را بارها در قرآن کریم به عنوان یکی از صفات انسان‌های باایمان بر شمرده است (آل عمران/ ۱۷۳). قرآن کریم تأکید می‌فرماید که تنها خداوند صلاحیت ترسیدن دارد و تنها خداوند است که هدایت و گمراه می‌کند؛ زیرا خداوند عزیز و صاحب انتقام می‌باشد.

۳. تکیه بر اطاعت روشن‌بینانه از خدا و رسول

یکی دیگر از لوازم عملی توکل در آیات قرآن کریم، اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ است (انفال/ ۲-۱). در این آیه نیز می‌فرماید که اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. یعنی ایمان، صرف اقرار به زبان نیست، بلکه جلوه گاه ایمان، اطاعت بی قید و شرط در همه مسائل زندگی از فرمان خدا و پیامبر ﷺ است. سپس در آیه شریفه به توضیح صفاتی چند از ویژگی مؤمنان پرداخته و لزوم توکل آنان را بر خداوند بیان می‌کند. لازمه توکل این است که اراده وکیل، قائم مقام اراده موکل باشد. این به

وجهی با معنای اطاعت منطبق است؛ چون مطیع اراده و عمل خود را تابع اراده و عمل مطاع می‌داند، عمل مطیع متعلق اراده مطاع می‌شود؛ گویی عمل از خود مطاع صادر شده است. بنابراین اطاعت به وجهی به توکیل برگشت می‌کند و توکیل به وجهی اطاعت است (همان: ۵۱۵/۱۹).

۴. تقوای پیشگی

داشتن تقوا برای کسی که بخواهد توکل حقیقی داشته باشد، بسیار حائز اهمیت است (طلاق/ ۲-۳). هر کس از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او پرهیزد و حدود او را نشکند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می‌سازد. کسی که بر خدا توکل کند، از نفس و هواهای آن و فرمان‌هایی که می‌دهد، خود را کنار بکشد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد و به عبارتی دیگر، به دین خدا متدین شود و به احکام او عمل کند، خدا کافی و کفیل چنین کسی خواهد بود (همان: ۵۲۶/۱۹). تقوا مقدم بر توکل است. انسان متقی، خواست خود را در مسیر خواست و اراده خدا قرار می‌دهد و چون اراده الهی بن بست ندارد، انسان متقی نیز به بن بست نخواهد رسید (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰۶/۱۰).

۵. تسلیم شدن در برابر حکم الهی راهی برای رسیدن به توکل

یکی از مصادیق توکل بر خداوند، تسلیم در برابر داوری و حکم الهی هنگام اختلافات فی‌مابین افراد می‌باشد (شوری/ ۱۰). کسی که خداوند را به تنهایی ولی خود می‌گیرد، از تمامی اسباب ظاهری منقطع گشته و به هیچ سببی اعتماد نمی‌کند؛ چون خدا را یگانه سببی می‌داند که شکست‌ناپذیر است و سببیت هر سببی از اوست، و این همان توکل است و از طرفی در هر واقعه‌ای که در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شود، به حکم خدا رجوع می‌کند، که این همان انابه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۲/۱۸).

۶. مشورت در امور و سپس تصمیم‌گیری

مشورت و تصمیم‌گیری طبق آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به عنوان یکی از ملزومات توکل بر خداوند آمده است. مشورت رسول خدا ﷺ که اسوه حسنه اهل ایمان است،

سبب تأسی اهل ایمان به سیره آن حضرت در مشورت با دیگران است. پس قبل از تصمیم‌گیری در امور باید با اهلش مشورت کرد و بعد از اخذ تصمیم و اراده انجام آن امر، بر خداوند توکل نمود. خداوند شاهد و ناظر بر اعمال و سعی و کوشش بندگان خود بوده و بندگان متوکل و ساعی خود را مورد لطف و عنایت خاص خویش قرار می‌دهد؛ چرا که متوکل، محبوب پروردگار خویش است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾.

۷. عمل به وظایف محوله

در آیات قرآن نمایان است که انبیاء علیهم‌السلام قبل از توکل بر خداوند، تمام سعی خود را برای هدایت مردم مبذول نموده و به نحو احسن، وظایف خود را به انجام رسانده‌اند. آنان با اتصال به حبل الهی و تکیه بر ذات مقدس خداوند، با عزمی راسخ به انجام رسالت خویش همت گماشته و از پروردگارشان استمداد نموده‌اند.

بنا بر آیه ۷۱ سوره یونس، حضرت نوح علیه‌السلام به قوم خود فرمود: اگر قیام من در امر دعوت به سوی توحید خدا بر شما گران است و یا اگر مکانت و منزلت من در دعوت من به سوی خدا که همان منزلت رسالت است، بر شما گران می‌آید، من بر خدا توکل می‌کنم (همان: ۱۴۹/۱۰). همان طور که در آیات قرآن ملاحظه می‌شود، حضرت نوح علیه‌السلام دیدگاهی منفعلانه به توکل بر خداوند نداشته، بلکه آن را آغاز و انجام مسیر رسالت خویش می‌داند. وی انجام وظایف رسالت خویش را لازمه ائکمال به خداوند دانسته و این توکل را منبع قدرت خویش معرفی می‌کند.

۴-۵. شیوه چهارم: پرهیز از غلّو در دین

مینا: از ویژگی‌های دین غیر الهی، «غلّو» در دین است. «غالی» کسی است که از حد تجاوز نموده و مرتکب افراط شود و نقطه مقابل آن «قالی» (با قاف)، کسی است که مرتکب تفریط و کوتاهی شود (همان: ۱۱۰/۶). ریشه انحراف انسان در پرستش اشیاء، ارواح، اجنه، خدایان زر و زور به دو عامل برمی‌گردد؛ آنان یا حد معین موجود را فراتر می‌برند و یا آن را فروتر می‌پندارند. گاهی غلّو سبب می‌گردد که حد موجودات تا حد الوهیت و ربوبیت بالا رود. قرآن کریم علت اصلی خارج شدن برخی از اهل کتاب از دین الهی را «غلّو در دین» معرفی می‌نماید (نساء/ ۱۷۱).

شیوه: قرآن کریم به انسان‌ها هشدار می‌دهد که در عقاید خود درباره رهبران آسمانی و علمای دین نباید گرفتار غلو شده و به بلای شرک و کفر دچار شوند. مقامات معنوی بندگان خدا هرچند عالی باشد، آثار وجودی موجودات هرچند شگفتی بیافریند، زیبایی آیات الهی هرچند دل‌ها را براباید، علم و دانش موجود حاکی هرچند فزونی گیرد، قدرت و ثروت هر چقدر انباشته گردد، در بینش توحیدی، همه و همه وامدار قدرت و زیبایی مطلق و علم مطلق است و آن کمال مطلق، جز خداوند کسی نیست و بر پیشانی همه موجودات، آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر/ ۱۵) نقش بسته است.

هدف، مبنا و شیوه ذکر شده که یک قیاس عملی را تشکیل داده‌اند، به صورت زیر خلاصه می‌شود:

هدف: انسان باید تربیت دینی یابد.

مبنا: تربیت دینی در جهت دوری جستن از غلو است.

شیوه: انسان باید از غلو دوری نماید.

۵-۴-۱. نمونه‌های به کار رفته در قرآن کریم

۱. اجتناب از غلو در خصوص الگوهای دینی

قرآن کریم به تبعیت از الگوی برتر در تربیت دینداری افراد قائل است، ولی با این حال، خطرات ناشی از غلو و افراطی‌گری در این مسئله را نیز گوشزد می‌نماید و مسلمانان را متوجه افراطی‌گری‌هایی که ادیان پیشین در مورد پیشوایان و رهبران خود داشته و برای آنان حتی مقام خدایی نیز قائل شدند، می‌نماید. «عزیر» و «مسیح» که در ابتدا به عنوان الگوهای برتر دین یهود و مسیحیت بودند، به مرور در بین بسیاری از پیروان این ادیان، مقام خدایی یافتند و بسیاری از یهودیان و مسیحیان از جرگه یکتاپرستی خارج و به گروه کفار ملحق گشتند. خداوند اهل کتاب را از اینکه در دین خود غلو نموده و برای عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام مقام خدایی قائل شدند، با براهینی منع می‌کند (نساء/ ۱۷۱). از جمله استدلال‌های ذکر شده این است که وی همانند هر انسان دیگری مخلوق خداوند بوده و تنها تفاوت وی با دیگران، تولدش از طریق اسبابی غیر از اسباب معمولی

می‌باشد. در آیه‌ای دیگر از همانندی گفتار یهود و نصارا سخن به میان آمده است که به دلیل نفوذ و رخنه عقاید کفارِ وثنی در آنان، معتقد بودند که «عزیر و عیسی مسیح» فرزندان خدایند (همان: ۳۲۵/۹).

۲. عدم پیروی از هوی و هوس گمراهان

قرآن کریم ریشه انحراف در دین الهی و غلو در دین را نتیجه پیروی از هوی و هوس گمراهان می‌داند. در آیه ۷۷ سوره نساء به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب شده است که اهل کتاب را از افراطی‌گری در دین خود نهی نمایند.

۳. عدم پیروی از عقاید خرافی دیگران

پیروی از عقاید خرافی دیگران، یکی دیگر از دلایل غلو و راهیابی شرک در دین می‌باشد (توبه / ۳۰). قرآن کریم علت انحراف دین نصاری و یهود را رخنه عقاید کفارِ امم گذشته در آنان می‌داند که هیچ‌گونه ریشه عقلی و برهانی ندارد و به همین جهت، خداوند متعال آن را صرفاً به سخنی که از دهان خارج می‌گردد، تعبیر می‌نماید. تحقیقات محققان در عصر حاضر بیانگر این مسئله است که معارف عهدین عیناً مطابق خرافات بوداییان و برهمنیان است. آنان با نفوذ در دین یهودیان و مسیحیان، سبب خروج این ادیان به ویژه مسیحیان از دین توحیدی گشته‌اند (همان).

جمع‌بندی

برای دستیابی به شیوه‌های تربیت دینی در قرآن کریم، ابتدا آیات با ریشه «د - ی - ن» برای کشف ماهیت دین مورد بررسی قرار گرفتند. سپس هدف تربیت دینی تبیین، و شیوه‌های قرآن کریم برای رسیدن به هدف مطرح شده استخراج گردید و نمونه‌های به کاررفته در قرآن کریم برای دستیابی به شیوه‌های استخراج شده بیان شد. خلاصه نتایج استخراج شده عبارت‌اند از:

تربیت دینی در گرو اعتقاد به جزای اعمال است. بنابراین انسان باید به نتایج احتمالی اعمال خود بیندیشد و در قبال نحوه عملکرد خود مسئول باشد. برای رسیدن به این هدف، قرآن کریم از دستورالعمل‌هایی مانند بهره‌گیری مستقیم از کتب آسمانی

در جهت شناخت جزای متناسب با عملکرد انسان، مواجهه با نتایج اعمال دیگران و عبرت‌آموزی از تجربیات آنان، توجه به تاریخ تلخ و شیرین گذشتگان، سیر در زمین و جهانگردی برای بررسی آثار و سرنوشت اعمال پیشینیان، نقل قصه‌های واقعی، تجسم زشتی و زیبایی اعمال، تبیین سنن الهی در جهت پاسخ به اعمالی که سبب گمراهی افراد می‌گردد، پرهیز از تقلید کورکورانه از پیشینیان در انجام اعمال غیر مسئولانه آنان به کار گرفته است. توصیف صفات بهشتیان نظیر سخنان پاکیزه و اعمال مورد پسند و نیکو، توصیف کردار ناپسند افراد، وعده جزای حسن عاقبت در دنیا و آخرت برای کسانی که اعمال صالح دارند و وعید برای هشدار و زنگ خطر از عواقب سوء عمل نادرست، انذار با اعلان خطر کردن نسبت به امور و تنبه و آگاهی دادن و بر حذر داشتن از تمایل به انحرافات و کژی‌ها و تبشیر با ایجاد شوق و رغبت که موجب حفظ و هدایت در جهت اعمال صالح است، بیان شده است.

یکی دیگر از شیوه‌های استنتاج‌شده تربیت دین الهی، پرورش حق‌گرایی در انسان است. گرایش و تمایل انسان همواره به سوی حق و حقیقت است. ژرف‌نگری در پدیده‌های هستی و تدابیر امور، حق‌گرایی از راه توجه به معاد، هدایت‌کنندگی به سوی حق ملاک انتخاب هدایت‌کننده، و پیروی از علم و یقین، از جمله موارد ذکرشده در قرآن کریم می‌باشد. برای دستیابی به هدف تبعیت از بهترین دین که دین الهی برحق می‌باشد، دستورالعمل‌های قرآنی عبارت‌اند از: ذکر مصداق در کنار اصل کلی، معیار تشخیص پیروی از الگوهای برتر.

شیوه سوم، پرورش توانایی انسان بر اساس توکل بر خداوند است. این مهم با استفاده از راهکار قرآنی، تکیه بر خردورزی جهت باورمندی به توحید در خالقیت و ربوبیت پروردگار صورت گرفته است. در پی اثبات قدرت و علم الهی به منظور جبران جهل و عجز انسان و تکیه بر قدرت لایزال الهی در وادی حکمت‌نظری و عملی، برخی از روش‌های به‌کاررفته عبارت‌اند از: استدلال بر مالکیت خداوند در کل آسمان و زمین، استدلال بر حیات محض الهی و علم او، مسبب‌الاسباب بودن خداوند، استدلال بر مبدأ و مقصد بودن خداوند، استدلال بر آگاهی خداوند از تمام مخلوقات، استدلال بر سلطه خداوند بر کل هستی، استدلال بر مهربانی خداوند نسبت به بندگان،

استدلال بر انحصار خشیت به ترس از خداوند در عمل، استدلال بر اطاعت روشن‌بینانه از خدا و رسول، استدلال بر تقوایشگی، تسلیم شدن در برابر حکم الهی، مشورت در امور و سپس تصمیم‌گیری و عمل به وظایف محوله.

شیوه چهارم، پرهیز از غلو در دین است. دوری جستن از غلو در دین، مانع انحراف انسان از مسیر اصلی دین می‌گردد. روش‌های قرآنی در این زمینه شامل اجتناب از غلو درباره الگوهای دینی، عدم پیروی از هوی و هوس گمراهان و عدم پیروی از عقاید خرافی دیگران است.

نتیجه‌گیری

با بررسی ماهیت دین و هدف تربیت دینی، چهار شیوه تربیت دینی استنتاج گردید. اعتقاد به جزای اعمال، عملکرد مسئولانه را در پی خواهد داشت. دستورالعمل‌های قرآن کریم برای رسیدن به این اعتقاد، شامل آگاهی دادن به عواقب اعمال با اندیشیدن در نتایج اعمال دیگران و عبرت‌آموزی از تجربیات آنان می‌باشد. یکی دیگر از شیوه‌های استنتاج‌شده، پرورش حق‌گرایی در انسان است. حق‌گرایی از راه توجه به معاد، پیروی از علم و یقین و تبعیت از دین الهی برحق قابل دستیابی است. شیوه سوم، پرورش توانایی انسان بر اساس توکل بر خداوند است و این مهم از طریق باورمندی به توحید در خالقیت و ربوبیت پروردگار حاصل می‌گردد. برخی از روش‌های به‌کاررفته برای رسیدن به شیوه مذکور، استدلال بر مالکیت خداوند، حیات محض الهی، مسبب‌الاسباب بودن خداوند، و آگاهی خداوند نسبت به تمام مخلوقات می‌باشند. شیوه پایانی، پرهیز از غلو در دین است. غلو در دین سبب انحراف انسان از مسیر اصلی دین می‌گردد. توصیه قرآن کریم برای اجتناب از غلو درباره الگوهای دینی، عدم پیروی از هوی و هوس گمراهان و عقاید خرافی دیگران است. از دیگر نتایج این مقاله، ارائه الگوی نظری تربیتی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است. از آنجا که شیوه‌های تربیت دینی دارای طیف گسترده‌ای است، در تحقیقات آینده می‌توان به شیوه‌های تربیت دینی در هر یک از حوزه‌های اخلاقی، عبادی و سایر مسائل اعتقادی پرداخت.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم، اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۲. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
۳. ابن درید ازدی بصری، ابوبکر محمد بن حسن، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
۴. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. احمدی‌فر، مصطفی، و دادمحمد امیری، «روش‌های اصلاحی در تربیت اخلاقی قرآن کریم»، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی*، سال چهاردهم، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۶. باقری، خسرو، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم»، *فصلنامه مکاتبه و اندیشه*، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۷. همو، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰ ش.، ۱۳۹۲ ش.، ۱۳۹۶ ش. و بی تا، قابل دستیابی در وبگاه مؤسسه وحیانی اسراء به نشانی <http://esra.ir>.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصاحح، تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. سعیدی حسینی، معصومه‌السادات، فتحیه فتاحی‌زاده، و محمد عترت‌دوست، «تبیین ضرورت و چرایی توکل به خداوند متعال بر مبنای تحلیل محتوای آیات قرآن کریم»، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی*، سال نوزدهم، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش.
۱۳. صفیان جوزدانی، زهرا، و رضا سعادت‌نیا، «کاربست رویکرد "ساختار شناختی" در روش‌های آموزشی قرآن در راستای یادگیری معنادار»، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی*، سال هجدهم، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ ش.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. علوی‌نژاد، سیدحیدر، «واقع‌گرایی تربیت قرآنی از نگاه سید قطب»، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، سال شانزدهم، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۹ ش.
۱۷. عمر، عمر احمد، *منهج التربية فی القرآن و السنه*، دمشق، دار المعرفه، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. قطب، محمد، *منهج التربية الاسلامیه*، ترجمه سیدمحمد مهدی جعفری، تهران، پیام، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ سوم، بیروت - قاهره - لندن، دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۲۱. میر، جابر، و محمدتقی رفعت‌نژاد، «بررسی شیوه‌های تربیت اخلاقی قرآن در بعد شناختی (بینشی)»، تهران، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، دوره نخست، آذر ۱۳۹۵ ش.

22. Sherkat, Darren E. & Christopher G. Ellison, "Recent Developments and Current Controversies in the Sociology of Religion", *Annual Review of Sociology*, Vol. 25(1), 1999.
23. von Brömssen, Kerstin, "Some ethnic Swedish students' discourses on religion: secularism par excellence", *Journal of Religious Education*, Vol. 64(2), 2016.

